عصر مردم

هر که او آگاهتر، جانش فزون

سه شنبه ۱ مرداد ۱۳۹۸ - ۲۰ ذی‌القعده ۱۴۴۰ - شماره ۶۶۸۱

روزنامه سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد عسلی

سردبیر: اسماعیل عسلی

رتبه: ۴۳

ISSN: 1557 - 2008

لیتوگرافی و چاپ: روزنامه عصر مردم - تلفن: ۳۲۳۵۹۶۱۰

تلفن سرپرستی‌های عصر مردم در:

اصفهان: ۰۹۱۳۹۱۴۷۷۲۷ هاشمی

کرمانشاه: ۰۹۱۸۳۱۱۱۴۹۸ کبودی

بوشهر: ۰۹۱۷۷۷۲۳۶۰۵ رستمی

نشانی: شیراز - قصردشت - چهارراه ملاصدرا - نبش کوچه ۳۳ - ساختمان روزنامه عصر مردم

تلفن: ۳۸-۳۲۳۰۰۳۳۷ - نمابر: ۳۲۳۰۳۸۳۰

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۱- ۳۲۳۴۱۰۰۰

WEB: Asremardom.com

Email Address: asr.e.mardom@Gmail.com asremardom

گاه روز

اذان صبح	۰۴:۴۴
طلوع آفتاب	۰۶:۱۴
اذان ظهر	۱۳:۰۶
اذان مغرب	۲۰:۱۷

امروز

▼ ۲۵ ▲ ۳۹

نیمه ابری همراه با وزش باد با احتمال بارش پراکنده

مؤمنان برادرند و فرزندان یک پدر و مادرند. هر گاه در یکی از آنان رگی [از درد] بزند، دیگران نیز برای او بی خوابی می‌کشند.

امام صادق (ع)

انگار نه انگار

احمد رضا سهرابی

در یک نشست خبری تشریح شد

دلایل طولانی شدن بازسازی موزه هنرهای معاصر

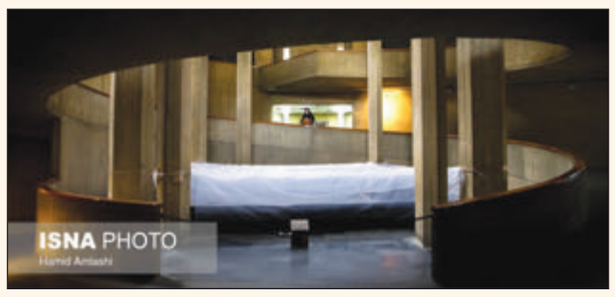

مدیر کل دفتر هنرهای تجسمی اظهار کرد که فرآیند مرمت موزه هنرهای معاصر تهران در دو بخش ۶۰ و ۴۰ درصدی تعریف شده بود که در حال حاضر بخش ۶۰ درصدی به پایان رسیده است.

به گزارش ایسنا، نشست خبری مرمت و بازسازی موزه هنرهای معاصر تهران صبح روز دوشنبه (۳۱ تیر ماه) با حضورهادی مظفری (مدیر کل دفتر هنرهای تجسمی) و مجید آقایی (مدیر موزه هنرهای معاصر تهران) در کتابخانه این موزه برگزار شد.

در ابتدای این نشست‌هادی مظفری در سخنانی اظهار کرد: پیش‌بینی ما برای مرمت موزه در دو فاز ۶۰ و ۴۰ درصدی بود که ۶۰ درصد اولیه این پروژه به اتمام رسید و دیروز گزارش آن ارائه شد.

او ادامه داد: موزه هنرهای معاصر در سال ۵۶ افتتاح شده و تاریخی که بعد از ۴۲ سال بر آن گذشته بود، کارهای زیادی داشته که بخشی پیش از آغاز پروژه قابل پیش‌بینی بود و بخشی هم در پروژه خودش را نشان داد. به طور کلی فرآیند مرمت و بازسازی موزه در ۱۲ جبهه اصلی و ۱۳۰ بخش فرعی انجام شد.

مدیر کل دفتر هنرهای تجسمی همچنین در باره علت طولانی شدن فرآیند بازسازی و مرمت موزه هنرهای معاصر تهران، توضیح داد: این پروژه از اردیبهشت ۹۷ آغاز شد و یکی از علت‌هایی که این پروژه تاکنون ۱۴ ماه به طول انجامید، نوسانات زیاد قیمت‌ها در بازار بود. با توجه به برآوردهایی که صورت گرفته بود مشکلی برای تامین اعتبار وجود نداشت و همچنین نیز وجود ندارد، اما به‌روز کردن قیمت‌ها کار را برای ما سخت می‌کرد. در مجموع تغییرات هفته‌ای قیمت‌ها باعث تاخیر در کار شد. در نهایت میان کارفرما، پیمانکار و مشاور توافق جدیدی در باره قیمت‌ها ایجاد شد و با توجه به اینکه این قیمت‌ها باید مورد تایید سازمان برنامه‌ریزی و بودجه کشور باشد، این فرآیند نیز زمان‌بر شد.

او افزود: یکی دیگر از علل تاخیر پروژه بازسازی این بود که احساس کردیم در برخی جبهه‌های کاری پیمان‌کار سرعت کافی را ندارد. به همین خاطر از حضور پیمانکار اول صرف نظر کردیم و مراحل تغییر پیمانکار نیز پروسه‌ای زمان‌بر بود.

مظفری شرایط خاص موزه هنرهای معاصر تهران و ارزش تاریخی که دارد را از دیگر دلایل طولانی شدن فرآیند مرمت و بازسازی عنوان کرد و گفت: موزه هنرهای معاصر تهران دارای سه ویژگی منحصر به فرد است که این ویژگی باعث شد تا ما با دقت بیشتری این پروژه را پیش ببریم. ساختمان و بنای موزه هنرهای معاصر تهران دارای ارزش و قدمت بالایی است و طبیعتا نیاز به مراقبت دو صد چندان دارد. همچنین نگهداری از آثار موجود در گنجینه و مراقبت از تاریخ شفاهی موزه دو ویژگی دیگر موزه هنرهای معاصر تهران است که منجر به تاخیر این پروژه شد. ما فقط با یک ساختمان مواجه نبودیم. تک تک هنرمندانی که در این ۴۰ سال به موزه آمده بودند تاریخی را برای آن ساختند که مراقبت از آن بر اهمیت این پروژه می‌افزود.

محمدرضا خردمندان: سینمای کودک و نوجوان نیازمند سرمایه‌گذاری جدی است

ایسنا: حوزه سینمای کودک و نوجوان نیازمند سرمایه گذاری است، من فکر می‌کنم وقتی که سینمای کودک از رونق افتاد، سرمایه‌گذاری‌های این حوزه به بخش‌های دیگری اختصاص یافت.

محمدرضا خردمندان، کارگردان سینما، در باره وضعیت اکران فیلم‌های کودک،گفت: وضعیت اکران، در تمامی حوزه‌ها نابسامان است. اما مثل همه ارکان دیگر بیشترین میزان ظلم در حوزه سینمای کودک است چرا که صدای آنها به جایی نمی‌رسد. اکران فیلم‌های کودک و نوجوان نیازمند حمایتی جدی است و باید بین سیستم اکران، تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان، هماهنگی شکل بگیرد، تا مسئله اکران در سال‌های آینده حل شود.

وی با اشاره به نقش سازمان سینمایی در اکران آثار و مخصوصا فیلم‌های حوزه کودک بیان کرد: سازمان سینمایی با توجه به جایگاهش، نقش کلیدی دارد و می‌تواند بانی اکران فیلم‌ها باشد. این سازمان با توجه به سیستم اکران، قادر خواهد بود، جایگاهی که حق بچه‌ها است را به آنها بازگرداند.

خردمندان ادامه داد: حوزه سینمای کودک نیازمند سرمایه گذاری است، من فکر می‌کنم وقتی که سینمای کودک از رونق افتاد، سرمایه‌گذاری‌های این حوزه به بخش‌های دیگری اختصاص یافت و در نتیجه تهیه‌کنندگان، کارگردانان و بازیگران، علاقه کمتری برای کار در این حوزه داشتند. حالا بازگشت به دوران اوج سینمای کودک مستلزم این است که حمایتی جدی برای سرمایه‌گذاری صورت بگیرد.

کارگردان فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» در باره اهمیت برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، اظهار داشت: این جشنواره محل گردهمایی فیلم‌های کودکان و نوجوانان است و با توجه به قدمتی که دارد و جریانی که ایجاد می‌کند، می‌تواند در این حوزه شور و هیجان برپا کند و وجودش بسیار موثر است. ولی همه چیز نباید به جشنواره ختم شود و بعد از برگزاری این رویداد، باید به فکر اکران و تولید آثار بهتر باشیم. در واقع وضعیت کیفی تولید آثار هر سال باید بهتر از قبل باشد.

وی در خصوص بخش بین‌الملل جشنواره و شکل‌گیری بازار فیلم جشنواره و تاثیر آن بر اقتصاد سینمای کودک اظهار داشت: یکی از کارهای مهم جشنواره کودک تبادل آثار است و در بخش بین‌الملل، بین کارهای کودک ایرانی و خارجی مقایسه شکل می‌گیرد و این مسئله کمک می‌کند تا ما در تعامل با سینمای جهان باشیم. وقتی فیلم «بیست و یک روز بعد» من در جشنواره حضور داشت، خریدارانی برای این اثر پیدا شد و چند جشنواره خواستار حضور فیلم من شدند. پس این جریان که در کشور خودمان فیلم‌هایمان در سطح جهانی دیده شود، اتفاق خوبی است که ایجاد انگیزه می‌کند. بازار فیلم جشنواره باید هر سال، پر رونق برگزار شود.

این کارگردان در باره بخش المپیاد فیلمسازی جشنواره گفت: برگزاری المپیاد فیلمسازی، کاری زیربنایی است، در واقع به نظرم اقدامی است که میزان تاثیرگذاری آن در زمان مشخص می‌شود. المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان، نوعی ریل گذاری برای کشف استعدادهای تازه سینما محسوب می‌شود و من برگزاری این المپیاد را به فال نیک می‌گیرم. من سال گذشته در این جشنواره داور بودم و از تماشای بعضی از آثار شگفت زده می‌شدم. در واقع این المپیاد نوعی غربالگری استعداد در کشور است و ما می‌توانیم در دهه آینده شاهد تاثیرات آن باشیم.

این کارگردان در پایان صحبت‌هایش در باره برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در شهر اصفهان گفت: جشنواره کودک با اصفهان تعریف شده و این شهر، جزو هویت جشنواره است. اصفهان فرهنگی ترین شهر ایران است و پتانسیل خیلی خوبی برای برگزاری جشنواره کودک دارد.

دبیران جشنواره قصه‌گویی حکم گرفتند

مهر: دبیران هنری، علمی و اجرایی بیست و دومین جشنواره بین المللی قصه گویی مشخص شدند.

محمدرضا زمردیان، رییس بیست و دومین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی در حکم سروش صحت بر اهمیت ارتقای سطح کیفی داوری و استفاده از چهره‌های متخصص و دانشگاهی و افزایش مشارکت عمومی تاکید کرده است.

زمردیان همچنین مریم جلالی را به عنوان دبیر علمی جشنواره قصه‌گویی منصوب کرد. جلالی عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و عضو هیات مبانی نظری کانون پرورش فکری است. این استادیار دانشگاه همچنین به عنوان یکی از اعضای هیات تحریریه و کمیته علمی نشریه سوشال ساینس انگلیس و شورای کتاب کودک نیز فعالیت دارد.

مجید توکلی کارگردان سینما نیز به عنوان دبیر اجرایی این جشنواره منصوب شد. وی که در دوره گذشته هم به عنوان دبیر اجرایی این جشنواره فعالیت داشت، کارگردانی فیلم «متولد ۶۵» را در کارنامه کاری خود دارد.

همچنین در ادامه این حکم، افسون امینی مدیرکل مرکز آفرینش‌های فرهنگی کانون به عنوان مسئول کمیته‌های استانی و منطقه‌ای بیست‌ودومین جشنواره قصه‌گویی و عضو کمیته اجرایی، نسرین سجادیان مدیرکل آموزش و پژوهش کانون به عنوان مسئول کمیته علمی و الهام دارابی به عنوان مسئول دبیرخانه بیست‌ودومین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی منصوب شدند.

پیام دکتر فرهنگی درپی درگذشت دکتر سمیعی

جامعه دانشگاهی، بی‌وجود «سمیعی»ها سوت و کور می‌شود

«امروز نوبت سمیعی و فردا نوبت ماست؛ اما به هوش باشیم که جامعه‌ی دانشگاهی کشور بی‌وجود «سمیعی»ها سوت و کور خواهد شد.»

دکتر علی فرهنگی ـ استاد باسابقه ارتباطات ـ در پی درگذشت دکتر علی سمیعی ـ از استادان برجسته فلسفه ارتباطات و علوم سیاسی ـ در یادداشتی که در اختیار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) قرار داده، ضمن بیان خاطراتی از این استاد فقید و ارج نهادن به مقام استادی او، اهمیت توجه به اهالی دانشگاهی کشور را یادآور شد.

متن یادداشت دکتر فرهنگی که هم‌اکنون در مسافرت خارج از کشور به سر می‌برد و در غربت خبر فقدان دوست دیرینش را شنیده، به شرح زیر است:

«در رثای دکتر علی سمیعی

پدر شعر فارسی، رودکی، در رثای یار دیرینش شهید بلخی، چنین سرود:

کاروان شهید رفت از پیش
وآن ما رفته گیر و می‌اندیش
از شما دو چشم یک تن کم
وز شمار خرد هزاران بیش

... من در تنهایی غربت و وصول خبر کوتاهی از دکتر محمد سلطانی‌فر که «آقای دکتر سمیعی به لقاءالله پیوست» آن هم در غربتی عجیب.

دو روز بود که غمی مبهم وجودم را گرفته بود و نمی‌دانستم چرا چنین گرفته‌ام. از صبح با ترنم صدای مخملین «بنان» و «شجریان» ساعت‌ها در بر روی خود بسته بودم و با شعرهایم ور می‌رفتم. خبر که آمد، غروب غربت و خبر هجرت دکتر علی سمیعی بغضم را ترکاند و ابر چشمانم باریدن گرفت.

همسرم و دخترم (چکاوک) که نمی‌دانستند چه شده است سرآسیمه به خلوتم وارد شدند و آنان نیز چون من به یاد خاطراتی از دکتر سمیعی افتادند که سال‌ها با آنها بود.

سفر طالقان و بالا رفتن از درخت زرد آلو که حالا آن درخت هم مثل من و دکتر سمیعی پیر شده است و باید فکری به حال آن کرد و پر کردن سطل سفید از زردآلوهای زرد با گل‌های قرمز بر آنها؛ همه چیز چه زود می‌گذرد...

بیش از ۱۵ سال پیش، در سه سفری که دکتر با ما به طالقان آمد و چند روزی در تنهایی با هم بودیم، او را خوب شناختم و به عمق وجود مهربان و دانش فراوان او پی بردم. او گنجی در خرابه‌ای بود که کس نمی‌دانست چیست و کیست. با او بحث می‌کردم که «چرا نمی‌نویسی؟» و او پاسخ می‌داد که «نوشته، ده‌ها دشمن دارم؛ وای اگر بنویسم.» تازه فهمیدم که چرا سقراط نیز نمی‌نوشت و یاد استاد نازنینم دکتر غلامحسین صدیقی افتادم که چرا کمتر می‌نوشتند؛ از ترس حسودان و دشمنان.

با پذیرش درسی در دانشگاه آزاد اسلامی توسط او، او را کم و بیش برخی استادان بزرگ دانشگاه علامه طباطبایی از خود رانده بودند و دیگر او را به جمع خود نمی‌پذیرفتند اما او سالکی بود که به تنهایی راه خود می‌پیمود تا بازنشسته‌اش کردند با مقرری اندک که کفاف زندگی را نمی‌داد. من با گذراندن دروسی او را به کار دلگرم می‌کردم؛ چه در دانشگاه آزاد اسلامی و چه در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران به صورت یک‌باره با یک حکم رئیس دانشگاهی هزاران استاد آن هم با توان تدریس بالا خانه‌نشین می‌شوند و دانشجویان در حسرت دیدار آنها باقی می‌مانند؟ آیا ما وارثان «بیرونی»ها، «رازی»ها و «دهخدا»ها و «بهار»ها و «فروزانفر»ها و «همایی»ها نیستیم؟

سمیعی رفت، ما هم می‌رویم، همه خواهند رفت، اما این ملک و فرهنگ خواهد ماند؛ بگذاریم میراث نیاکان آن‌گونه که آنها می‌خواستند بماند.

روزی در طالقان با دکتر سمیعی گفت‌وگو می‌کردیم، حاج... بزرگ ده بر ما وارد شد. دکتر را دید و من از سجایای دکتر برای او گفتم و او محو فضل دکتر شده بود. در پایان ملاقات وقتی بدرقه‌اش کردم پرسید این آقای دکتر چقدر حقوق می‌گیرد؟ جواب دادم حدود ۹۰ هزار تومان. آن زمان حقوق استادیاران این میزان بود. او مکثی کرد و سپس گفت «به اندازه خر مشدی مهدی»، ناراحت شدم. پرسیدم یعنی چه؟! جواب داد «آخر هر کس هر روز بخواهد خر مشدی مهدی را اجاره کند باید سه هزار تومان اجاره بدهد.»

به فکر فرو رفتم و موضوع را با دکتر در میان گذاردم. مدتی قاه قاه می‌خندید و از آن پس بین خر مشدی مهدی و روزگار تلخ استادان دانشگاه رابطه‌ای برقرار شده بود و این رازی بین ما دو نفر بود و هر دو می‌خندیدیم...

دکتر علی سمیعی، از پیشگامان علم ارتباطات در ایران، طی روزهای گذشته در سکوت خبری درگذشت و به خاک سپرده شد.

دکتر علی‌اکبر فرهنگی پیش از این نیز در نکوداشت استاد سمیعی که در ایسنا برگزار شد، گفته بود: در ویرانه‌ای که ما در دانشگاه‌ها درست کرده‌ایم، گنج‌هایی است که خیلی کم پیدا می‌شود. افتخار من این بوده و هست که دکتر سمیعی را دریافتم، شناختم و از منبع فیاض تفکر و اندیشه ایشان بهره بردم.

پیوند من با دکتر سمیعی به بیش از ۳۰ سال پیش باز می‌گردد، دکتر سمیعی در سخت‌ترین شرایط به داد ما رسیدند؛ زمانی که می‌خواستیم دوره دکتری رشته ارتباطات را در دانشگاه آزاد راه‌اندازی کنیم، از میان همه، تنها ایشان همراه ما ماند؛ هیچ وقت تاکنون این موضوع را جایی مطرح نکرده بودم ولی امروز می‌گویم که آن زمان دکتر سمیعی ریسک عظیمی را پذیرفت تا در کنار ما باشد؛ چرا که پس از آن او را بایکوت کردند و تمام درس‌هایش را از او گرفتند.

من همیشه اعتقاد داشتم که یکی از پایه‌های اصلی رشته علوم ارتباطات درس فلسفه است. در آن زمان تلاش کردیم تا درس فلسفه را در دروس دانشگاهی جای دهیم و دکتر سمیعی تنها کسی بود که می‌توانست این درس را تدریس کند. ایشان با یک توانمندی ویژه‌ای این کار را انجام دادند و باقیات صالحاتی که از ایشان به جا مانده است این دانشجویانی است که پس از اتمام دوره دکترا اکثرشان امروز در مقام استادی هستند.

دکتر سمیعی شخصیت ویژه‌ای هستند و نظیر ایشان را در محیط‌های آکادمی کم داریم. می‌توان گفت «ویلیام جیمز» که یک فیلسوف آمریکایی تمام عیار بود و همانند دکتر سمیعی از خودش هیچ کتابی به جای نگذاشت شبیه ایشان است. اما در ایران نمونه‌ای که به نظر من کاملا به دکتر سمیعی شباهت دارد غلامحسین صدیقی است. ایشان نیز به جز چندین صفحه مطلب کتبی از خودش به جای نگذاشت و پس از فوتش به همت دانشجویان او، یادداشت‌های او تحت عنوان «جنبش‌های دینی در تاریخ ایران» منتشر شد.

متأسفانه معیارهای ما در ارتقای افراد بسیار بی‌خود است؛ چرا که فکر می‌کنیم اگر کسی چند مقاله آی‌اس‌آی داشته باشد باسواد و پرفسور است ولی کسی که تأمل و تعقل می‌کند پیشرفتی ندارد.

به گزارش ایسنا، دکتر علی سمیعی در سن ۸۴ دار فانی را وداع گفت و ۲۷ تیر ماه در قطعه ۳۸ بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

وی متولد دوم اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ بود که«علوم کشورداری» را تا مقطع دکتری در دانشگاه «کارل فرانس» اتریش گذراند. پس ۱۳۵۵به ایران از اخذ مدرک دکتری در سال بازگشت و در مدرسه خدمات گردشگری مشغول به تدریس شد. بعدها، دانشگاه علامه از تجمیع این مدرسه و دیگر حوزه‌ها تاسیس شد و استاد تا سال ۱۳۸۲ در این دانشگاه و تا چندی پیش همچنان در واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد مشغول به تدریس بود. او جزو اولین اعضا هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و از نخستین اساتید همکار دکتر معتمدنژاد در دانشکده علوم ارتباطات بود؛ «فلسفه سیاسی ارتباطات» جزو کرسی‌های درسی استاد سمیعی برای دانشجویان علوم ارتباطات و روابط بین‌الملل بود.

به گزارش ایسنا، مراسم یادبودی برای استاد فقید دکتر علی سمیعی در روز چهارشنبه، دوم مرداد ماه در قطعه ۳۸ بهشت زهرا (س) بر سر مزار (۶۰.۲۴.۳۸) وی برپا خواهد شد.

جلال مقامی: ابتدا با اجرای «دیدنی‌ها» مخالفت کردم

جلال مقامی که به گفته‌ی خودش حدود پنج سال می‌شود از دنیای دوبله دور است، با یادآوری آثار مطرحی که دوبله کرده است، می‌گوید: مردم در خیابان‌ها و کوچه و پس‌کوچه‌ها بیشتر راجع به «دیدنی‌ها» با من صحبت می‌کنند تا آثار دوبله و یادشان رفته که من دوبلر بودم؛ در حالی که من دلم برای فیلم‌هایی که دوبله کرده‌ام تنگ شده است.

این دوبلر و گوینده باسابقه که این روزها در منزل به سر می‌برد، اظهار کرد: من حدود ۴ ـ ۵ سالی است که کار نمی‌کنم.

مقامی در پاسخ به این پرسش که آیا دوست دارد به کار خود ادامه دهد؟ اظهار کرد: برخی اوقات برای دورهمی به واحد دوبلاژ دعوت می‌شوم اما رفت و آمد برایم مشکل است. برای اینکه تا جام جم بروم، باید مسیر طولانی را طی کنم.

او سپس به خنده می‌گوید، من اروپا بروم راحت‌تر می‌روم. دوستان و همچنین آقای نقی‌ئی (مدیر امور دوبلاژ سیما) به من لطف دارند؛ حتی چندین بار پیشنهاد کار به من دادند، اما کار کردن برای من دیگر مشکل است.

مقامی در باره‌ی وضعیت دوبله اظهار کرد: اگر بخواهم انتقاد کنم دلخوری پیش می‌آید ایرادهای اساسی می‌بینم و یادآوری می‌کنم که به نفع خودشان است. بارها در جمع واحد دوبلاژ این مشکلات را گفته‌ام. من که نمی‌خواهم دوبله کنم و حسادتی هم ندارم. نه می‌خواهم برگردم و نه می‌خواهم فیلم دوبله کنم؛ البته جوانان هم تقصیری ندارند؛ چرا که آثار خوبی وجود ندارد که ماهیت دوبله را نشان بدهد. اغلب، فیلم‌ها کره‌ای، ژاپنی و هنگ‌کنگی است که بالا و پایین می‌پرند و همدیگر را می‌کشند. با وجود اینکه بارها از من خواسته‌اند که برای کار، به واحد دوبلاژ بروم اما به دلیل مشکلات و بیماری‌ای که داشتم، ترجیح دادم کار نکنم.

این دوبلر باسابقه که در سریال «پوآرو» در نقش هستینگز دستیار پوآرو و در سریال «شرلوک هولمز» (دوبله اول) در نقش دکتر واتسون صداپیشگی کرده است، در پاسخ به اینکه آیا در دوران کاری‌اش فیلم‌های کره‌ای هم دوبله کرده است؟ اظهار کرد: من اصلا کار کره‌ای دوبله نکرده‌ام. اوایل انقلاب حدودا سال ۶۰ بود که فیلمی به نام «زندگی» به کارگردانی آکیرا کوروساوا، کارگردان بزرگ ژاپنی را دوبله کردم. فیلمی سیاه و سفید بود. مترجم ژاپنی که نداشتیم. این فیلم زیرنویس داشت و مترجم ما آقای شایگان آن را از زیرنویس ترجمه کرده بود ولی دیالوگ‌ها اصلا به فیلم نمی‌خورد و من مانده بودم که با دیالوگ‌ها چه کنم. ۱۰ روز فقط تلاش کردم دیالوگ‌ها را به کیفیت مطلوب برسانم. یک فیلم بسیار قوی بود. روحش شاد آقای مقبلی هم رل اصلی را بر عهده داشت. فیلمی که جدی بود و دیالوگ‌های جدی و اساسی داشت. اما این فیلم‌های کره‌ای دوبله کردن ندارد. جوان‌های عزیز هم زحمت می‌کشند اما خب آن چیزی که باید را ندارد.

مقامی در باره کیفیت دوبله، اظهار کرد: من یک سری کارهای خوب را می‌بینم و دنبال می‌کنم که کارگردانان آن جوان هستند و کارهای اساسی دارند. اما بقیه فیلم‌ها همه غم و قصه است. به اندازه کافی مشکل داریم اما متاسفانه تقریبا همه فیلم‌ها نزدیک به هم و دارای فضای غمگین هستند.

او که صدا و چهره‌اش هنوز که هنوز است، یادآور برنامه خاطره‌انگیز «دیدنی‌ها» است، در باره‌ی خاطرات این برنامه گفت: زمانی که این برنامه را پیشنهاد دادند، ابتدا مخالفت کردم و خوشم نیامد اما بعد وقتی که تعریف کردند که سیناپس آن چیست فکر کردم در آن شرایط و بحبوحه جنگ بد نیست کار کنم. مردم هم شدید استقبال کردند و این هم برای ما ماندگار شد.